

شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

(قسمت نهم)

محمد رضا یزدانیان (مدیرکل حقوقی سازمان قضایی ن.م)

ماده (۴۰): «عضویت کارکنان نیروهای مسلح در سازمانها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مداخله یا شرکت و یا فعالیت آنان در دسته‌بندیها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی ممنوع است و مرتکبان به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌گردند و در هر حال ادامه خدمت یا رهایی این‌گونه افراد از خدمت به عهده هیأت‌های رسیدگی به تخلفات نیروهای مسلح می‌باشد.»

شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: شامل کارکنان نیروهای مسلح می‌شود. ماده (۲۱) قانون ارتش، کارکنان ارتش را شامل کسانی دانسته که برابر شرایط و مقررات مندرج در قانون مزبور و یا قانون خدمت وظیفه عمومی به خدمت پذیرفته می‌شوند. برابر مقررات قانون موصوف کارکنان ارتش عبارتند از: الف) کادر ثابت _ ب) وظیفه _ ج) پیمانی.

همچنین ماده (۲۲) قانون مرقوم نظامیان، کارمندان و محصلین را از افراد کادر ثابت (پایوران) معرفی کرده‌است.

ماده (۶) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران، کارکنان سپاه را شامل کادر ثابت، وظیفه، پیمانی و بسیجی دانسته و در ماده (۷) قانون مزبور پاسداران رسمی، کارمندان و محصلین به عنوان کادر ثابت (پایوران) سپاه معرفی شده‌اند. تعریف و تقسیم بندی کارکنان نیروی انتظامی نیز مشابه مقررات قانون ارتش می‌باشد.^(۱) در مورد کارکنان وزارت دفاع و ستاد کل با توجه به نوع عضویت آنان حسب مورد مشمول مقررات قانون ارتش و یا قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران می‌گردند.

۲- مقررات ماده (۴۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سابقه تقنینی در قانون دادرسی و کیفر ارتش و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سال ۷۱ ندارد لیکن؛ در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح مقرراتی در این مورد وضع شده‌است.

برابر ماده (۴۹) آیین‌نامه مزبور، پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از عضویت یا وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی ممنوع بوده و حق فعالیت در جهت برنامه‌ها و تبلیغات آنان را ندارند. همچنین در ماده (۶۱) آیین‌نامه موصوف آمده‌است: «فرماندهان، رؤسا و مدیران موظفند در کشف و شناسایی فعالیت‌های سیاسی ممنوعه پرسنل و نفوذ جریانات و تشکل‌های سیاسی در یگان، سازمان و قسمت خود با حفاظت اطلاعات مربوط همکاری‌های لازم را معمول دارند.»

۳- عنصر مادی جرم: رکن مادی عنوان مجرمانه مورد بحث از دو قسمت تشکیل می‌شود: الف) عضویت در سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی، ب) مداخله یا شرکت و یا فعالیت در دسته بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی.

۴- از لحاظ رکن مادی، عضویت فرد نظامی در سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی جرم مستمر است و تا زمانی که رابطه عضویت قطع نشود عنوان مجرمانه در حال استمرار می‌باشد.

۵- لازم نیست عضویت افراد در سازمانها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی رسمی و یا ثبت شده باشد، بلکه کافی است که ارتباط فرد با تشکل‌های مزبور به نحوی باشد که عضو تلقی شود.

۶- دریافت پاداش یا دستمزد یا حقوق تأثیری در تحقق جرم ندارد؛ عضویت ممکن است افتخاری باشد یا حتی عضو به سازمان یا جمعیت یا حزب کمک مالی نیز بنماید.

۷- عضویت به طرق مختلف مانند ثبت نام در حزب یا سازمان یا جمعیت، دریافت کارت عضویت یا کارت شناسایی، پرداخت حق عضویت یا بخشی از هزینه‌های تشکل و مانند آن احراز می‌گردد.

۸- هواداری یا طرفداری صرف مشمول مقررات ماده نمی‌گردد مگر آنکه به صورت مداخله یا شرکت یا فعالیت در دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی نموده و تجلی پیدا کند.

۹- نوع فعالیت تشکل‌های موصوف باید سیاسی باشد؛ پس عضویت در سازمان‌ها یا جمعیت‌های فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی و غیره از مشمول مقررات این ماده خارج است.

۱۰- تشکل‌های "سازمان"، "حزب" و "جمعیت" در این ماده موضوعیت نداشته و جنبه تمثیلی دارند.

بنابراین، هر تشکلی تحت هر عنوانی مانند گروه، جبهه، انجمن و غیره که نوع فعالیت آن سیاسی باشد مشمول توصیف کیفری ماده می‌گردد.

۱۱- تشکل مذکور در ماده (۴۰) اعم است از تشکل‌های قانونی که فعالیت آنها در چارچوب مقررات می‌باشد و از مقامات ذی صلاح پروانه و مجوز فعالیت دارند و تشکل‌های غیرقانونی که فعالیت آنها توسط مراجع صالح، غیرقانونی اعلام می‌شود. همچنین تشکل‌هایی که فعالیت آنها سیاسی بوده و در چارچوب مقررات فعالیت می‌کنند ولی نام آنها به عللی در وزارت کشور ثبت نشده و از کمیسیون ماده (۱۰) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و..... پروانه نگرفته‌اند نیز مشمول مقررات ماده می‌شوند.

۱۲- به موجب مقررات ماده (۱) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۶۰/۶/۷ منظور از حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرام نامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی

سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به‌صورتی با اصول اداره کشور و خط‌مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

۱۳- همان‌طوری که گفته شد، کارکنان نیروهای مسلح اعم است از کارکنان پایور و وظیفه. بنابراین، بحث‌هایی از خدمت کارکنان وظیفه در صورت ارتکاب جرم موضوع ماده (۴۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که در قسمت اخیر ماده به‌طور کلی و مطلق آمده‌است منتفی می‌باشد. با این توضیح که در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات نیروهای مسلح نیز تخلفات کارکنان وظیفه رسیدگی نمی‌شود.

سؤال: آیا نظامیان می‌توانند نامزد پست ریاست جمهوری شوند یاخیر؟

در پاسخ به این سؤال دو نظریه وجود دارد که ابتدا هر دو نظر با دلایل و مبانی توجیهی آن بیان می‌شود، و سپس نظر نگارنده ذکر می‌گردد.

نظر اول: منع قانونی جهت نامزدشدن نظامیان برای تصدی پست ریاست جمهوری وجود ندارد.

دلایل توجیهی:

۱- به موجب اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه افراد ملت از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. پس محرومیت نظامیان از تصدی پست ریاست جمهوری به معنای سلب یکی از حقوق اساسی آنان می‌باشد و با اصل مزبور مغایرت دارد.

۲- اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی مقرر نموده که رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و ایران و مذهب رسمی کشور.

بنابراین، برابر اصول بیستم و یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی منعی جهت نامزدی نظامیان برای تصدی پست ریاست جمهوری وجود ندارد.

۳- در مواد (۳۵) و (۳۷) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی که شرایط انتخاب شوندگان را بیان نموده‌اند نیز ممنوعیتی برای نظامیان جهت تصدی پست ریاست جمهوری ذکر نشده‌است.

۴- به موجب مقررات ماده (۳۷) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران اصلاحی ۶۵/۸/۲۵ افرادی که مسئولیت مستقیم در امر انتخابات ریاست جمهوری به صورت اجرا و یا نظارت دارند در صورتی می‌توانند داوطلب شوند که قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و در آن سمت شاغل نباشند که از مقررات این ماده نیز ممنوعیت نامزدی نظامیان به صورت مطلق و کلی استنباط نمی‌گردد، مگر افرادی که مصداق عملی مقررات ماده باشند که در این صورت برابر شرایط مقرر رفتار می‌شود.

۵- مقررات ماده (۴۰) که مداخله یا شرکت و یا فعالیت نظامیان را در تبلیغات انتخاباتی ممنوع دانسته است، ناظر به مواردی است که نظامیان در تبلیغات انتخاباتی دیگران مداخله یا شرکت یا فعالیت کنند و این ممنوعیت شامل موردی که فرد، خود، کاندیدای پست ریاست جمهوری است نمی‌گردد؛ زیرا منع مداخله یا شرکت یا فعالیت در امور تبلیغات انتخاباتی خود مفهومی ندارد.

نظر دوم: نظامیان در صورتی که از سمت و شغل خود استعفا دهند می‌توانند نامزد تصدی پست ریاست جمهوری شوند.

دلایل توجیهی:

۱- مقررات اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی که عیناً در ماده (۳۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران آمده است شرایط کلی انتخاب شوندگان را تعیین کرده است و این به آن معنا نیست که قوانین عادی نتوانند شرایط خاصی را با رعایت قانون اساسی برای انتخاب شوندگان مقرر نمایند. به عنوان مثال، اصل شصت و دوم قانون اساسی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را به قانون عادی ارجاع نموده که براساس مقررات بند "الف" ماده (۲۹) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اشخاصی که در ۲۸ بند نام برده شده‌اند از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه سراسر کشور محروم شده‌اند، مگر اینکه حداقل سه ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا دهند و به هیچ‌وجه در آن پست شاغل نباشند. از جمله افراد مزبور شاغلین در نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات می‌باشند که در بند "۲۸" تصریح شده است.

همچنین در بند "ب" ماده (۲۹) ده گروه از اشخاص و مسئولین از داوطلب شدن در حوزه‌های انتخابیه قلمرو مأموریت خود محرومند مگر اینکه سه ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ‌وجه در آن پست شاغل نباشند.

بنابراین، تعیین شرایط خاصی در قوانین عادی به مفهوم نادیده گرفتن حقوق اساسی افراد ملت نیست و مغایرت با قانون اساسی تلقی نمی‌شود. در اصل یکصد و شانزدهم قانون اساسی نیز تصریح شده که نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند. ضمن اینکه نظامیان با استعفا از شغل خود می‌توانند مانند سایر افراد ملت نامزد تصدی پست ریاست جمهوری شوند.

۲- از نقطه نظر قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران منعی برای نامزد شدن نظامیان جهت تصدی پست ریاست جمهوری وجود ندارد، اما با تصویب قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح و وضع مقررات ماده (۴۰) منع قانونی برای نامزد شدن نظامیان به وجود آمده است. قبل از تصویب قانون جدید ممنوعیت قانونی وجود نداشت و در عمل نیز در دوره‌های قبل نظامیان بدون استعفا از شغل و مقام خود نامزد پست ریاست جمهوری می‌شدند.

۳- این تفسیر که ممنوعیت ماده (۴۰) شامل مواردی می‌شود که نظامیان در تبلیغات انتخاباتی دیگران مداخله یا شرکت یا فعالیت کنند منطبق با مدلول و منطوق ماده نمی‌باشد؛ زیرا حکم ماده عام، کلی و مطلق بوده و مضیق نمودن ماده به تفسیر موصوف و یا تخصیص ماده به مورد خاص و یا خارج نمودن مصداق خاص از حکم عام ماده، برابر اصول و قواعد مربوط به تفسیر و قوانین نیاز به دلیل دارد که در این مورد دلیلی وجود ندارد.

۴- از لحاظ دلایل توجیهی و فلسفه وضع ماده تفاوتی بین مداخله یا شرکت یا فعالیت در امور تبلیغات انتخاباتی خود و دیگران وجود ندارد؛ زیرا در هر دو حالت ورود احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و سایر تشکل‌های سیاسی به امور تبلیغات انتخاباتی کاندیدای نظامی به نحوی از انحاء مسلم است و این موضوع با مقررات عدم ورود نظامیان به دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌ها و جریان‌های سیاسی که باعث وارد شدن خدشه به اصل وحدت، انسجام و یکپارچگی نیروهای مسلح می‌شود مغایرت دارد.

۵- تفسیر ادبی، اصولی و منطقی از عبارت "مداخله یا شرکت یا فعالیت نظامیان در تبلیغات انتخاباتی ممنوع است." با امعان نظر به فلسفه وضع ماده، سنجش مقررات ماده با سایر مقررات مشابه، ملاحظه سیاق و ارتباط اصطلاحات مجاور عبارت، این برداشت را که تفاوتی بین امور تبلیغات انتخاباتی خود و دیگران وجود ندارد تقویت می‌کند.

به نظر نگارنده، دلایل و مبانی توجیهی نظریه دوم صائب بوده و با مفهوم و مدلول و منطوق ماده هماهنگی دارد هر چند به نظر می‌رسد تفسیر قانونی مقنن از مقررات ماده (۴۰) با هدف جلوگیری از برداشت‌های مختلف قضایی خالی از فایده نباشد.

کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این سؤال که با عنایت به مقررات ماده (۴۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که عضویت و فعالیت نظامیان را در احزاب و جمعیت‌های سیاسی و دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی ممنوع اعلام نموده، آیا نظامیان می‌توانند نامزد پست ریاست جمهوری شوند؟

در مورخ ۸۴/۴/۲۷ چنین اظهار نظر نموده‌است: «اگرچه اصل یک‌صد و پانزدهم قانون اساسی که بیان کننده شرایط اصلی احراز پست ریاست جمهوری می‌باشد در مورد دخالت نظامیان در احراز این پست و نامزدی آن ساکت است و در ماده (۳۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ نیز منعی برای نامزدی نظامیان وجود ندارد و این حق برای آنان مانند دیگر شهروندان به عنوان حقوق اساسی افراد ملت محفوظ می‌باشد، ولی با تصویب ماده (۴۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ که مداخله یا شرکت و یا فعالیت نظامیان را در انتخابات ممنوع اعلام نموده‌است؛ و از آنجا که نامزدی پست ریاست جمهوری اسلامی ایران ملازمه با تبلیغات انتخاباتی دارد که این امر به موجب ماده مرقوم برای نظامیان ممنوع می‌باشد، پس نامزدی نظامیان برای پست ریاست جمهوری

مواجهه با اشکال قانونی بوده و به نظر می‌رسد نامزدی آنان منوط به استعفا از سمت نظامی و موافقت سلسله مراتب باشد.

سئوال دیگری که در بحث انتخابات مطرح می‌شود این است که آیا بسیجیان می‌توانند عضو هیأت‌های اجرایی و یا نظارت شوند یا خیر؟

در پاسخ به این سئوال باید گفت ماده (۲۴) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران تصریح نموده که نیروهای نظامی و انتظامی حق دخالت در امور اجرایی و نظارت در انتخابات را ندارند. همچنین ماده (۱۶) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی را صرفاً ایجاد نظم و حفاظت از صندوق‌ها در جریان انتخابات دانسته و آنان را از دخالت در امور اجرایی و نظارت منع نموده است.

مضافاً اینکه نام نیروهای مسلح در عداد ادارات و سازمان‌هایی که موظف به همکاری با شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات هستند در تبصره "۱" ماده (۱۱) قانون اخیرالذکر ذکر نشده است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم بسیجیان که به صراحت مقررات بند (ج) ماده (۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده (۶) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران، و از اعضای سپاه پاسداران و نظامی محسوب می‌شوند در انتخابات حق عضویت در هیأت‌های اجرایی و یا نظارت را ندارند.

ماده (۴۱): «هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت برخلاف مقررات و ضوابط عمداً مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌گردد و چنانچه از مصادیق مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ باشد به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبوده و بی‌گناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲- مقررات مربوط به تیراندازی و نحوه پرداخت دیه و خسارات به موجب «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸» و آیین‌نامه‌های مربوط خواهد بود.»

شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: "هر نظامی" است که شرح آن در مواد قبل از نظر گذشت.

۲- عنصر مادی جرم: "تیراندازی برخلاف مقررات و ضوابط" رکن مادی بزه را تشکیل می‌دهد.

۳- مأموریت اعم است از اینکه انجام کار یا امری در رابطه با شغل سازمانی فرد به وی واگذار شود یا انجام امری در یکی از مشاغل سازمان غیر از شغل سازمانی به او محول شود و یا به سایر نیروها و سازمان‌ها برای مدتی که زمان آن برابر مقررات استخدامی نیروهای مسلح کمتر از یک سال است اعزام گردد.

در صورتی که کارکنان نیروهای مسلح به سایر وزارتخانه‌ها یا نهادها یا مؤسسات یا سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت مأمور گردند از لحاظ مقررات پرسنلی نیروهای مسلح به وضعیت مزبور "مأمور به خدمت" گفته می‌شود.

۴- عبارت "عمداً مبادرت به تیراندازی نماید" حاکی از آن است که تیراندازی بر اثر سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی و یا تیراندازی غیرعمدی از شمول مقررات ماده خارج است. سؤالی که در این مورد پیش می‌آید این است که تیراندازی سهوی مشمول مقررات کدام یک از مواد قانونی می‌شود؟

اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سؤال چنین اظهار نظر نموده است:

«چون تیراندازی سهوی نظامیان ناشی از اهمال است و نتیجه این اهمال تزییع مهماتی است که بر حسب وظیفه به آنان سپرده شده است، پس فرض مذکور در استعلام با ماده (۸۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲ منطبق است.»^(۲)

با پذیرش نظریه اداره حقوقی هر چند که مشکلات ناشی از خلاء قانونی در مورد تیراندازی سهوی حل می‌شود، اما نکته قابل توجه عدم تناسب مجازات‌های تیراندازی عمدی و غیرعمدی است؛ زیرا برابر مقررات ماده (۴۱) مجازات تیراندازی عمدی سه ماه تا یک سال حبس و برابر ماده (۸۳) مجازات تیراندازی سهوی شش ماه تا سه سال حبس می‌باشد؛ در حالی که اصولاً مجازات جرایم عمدی باید شدیدتر از جرایم غیرعمدی مشابه باشد. ضمن اینکه در ماده (۸۳) شرط "سپردن اسلحه و مهمات بر حسب وظیفه" نیز وجود دارد در حالی که ماده (۴۱) چنین قیدی ندارد.

۵- در صورتی که تیراندازی برخلاف مقررات و ضوابط منجر به قتل یا جرح شود در صورت مطالبه ذی‌نفع مرتکب علاوه بر مجازات مذکور در ماده، حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می‌گردد.

۶- چنانچه موضوع از مصادیق مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی باشد مرتکب به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد.

برابر مقررات ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.» همچنین برابر ماده (۶۱۴) قانون مزبور: «هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال

عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت نیز محکوم می شود.» و تبصره ماده اشعار می دارد: «در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.» بنابراین، ملاحظه می کنیم که اگر تیراندازی غیرمجاز از مصادیق مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی باشد مرتکب فقط به مجازات مندرج در مواد مذکور محکوم خواهد شد. دلیل این موضوع نیز روشن است؛ زیرا عمل ارتكابی واحد بوده که مشمول دو عنوان کیفری مختلف می گردد که این حالت از مصادیق تعدد اعتباری و یا معنوی بوده که باید مجازات اشد اعمال شود. مقنن نیز به پیروی از این قاعده حقوقی اعمال مجازات اشد، یعنی مجازات مذکور در مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) را مقرر نموده است.

۷- برابر مقررات تبصره یک ماده (۴۱) اگر تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت معاف خواهد بود و دیه مقتول یا مجروح نیز در صورت عدم تقصیر یا بی گناهی وی از بیت المال پرداخت خواهد شد. ماده (۳۳۲) قانون مجازات اسلامی در این مورد اشعار می دارد: «هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود.»

۸- منظور از مقصر، فردی است که عالماً و عامداً مرتکب اقدامات یا تخلفاتی گردد که در قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون به کارگیری سلاح..... ممنوع اعلام شده و قانونگذار به مأمورین اجازه داده که در صورت ارتکاب اعمال مزبور توسط افراد با رعایت ضوابط و مقررات قانونی از سلاح استفاده نمایند. به عبارت دیگر، مقصر کسی است که با علم و عمد علیه نفس خود اقدام نماید.

۹- آیا معاذیر مذکور در ماده که موجب معافیت مرتکب از مجازات و پرداخت دیه و خسارت می شود از معاذیر معاف کننده از مجازات (معاذیر قانونی) محسوب می شود یا از علل تبرئه کننده (توجیه کننده) جرم؟

قبل از پاسخ به سؤال لازم به ذکر است که معاذیر موجهه یا علل توجیه کننده جرم برعکس معاذیر معاف کننده از مجازات یا معاذیر قانونی که صرفاً به لحاظ ملاحظات مقرر در قانون و یا اقتضای سیاست جزایی مرتکب را از تمام یا قسمتی از مجازات معاف می نماید و مسئولیت کیفری مجرم را از بین نمی برد، باعث زایل شدن عنصر قانونی و وصف کیفری عمل ارتكابی شده و آن را غیرقابل تعقیب و مجازات، مشروع و موجه نموده و مرتکب را از مسئولیت کیفری مبرا می نماید.

در مورد سؤال نیز با توجه به اینکه تیراندازی برابر مقررات از نظر مقنن جرم تلقی نشده و وصف کیفری و یا عنصر قانونی عمل ارتكابی زایل می گردد، پس معاذیر مذکور در ماده (۴۱) از علل موجهه یا توجیه کننده جرم محسوب

می‌شود و مرتکب نه تنها از مجازات بلکه از تعقیب نیز مصون می‌باشد. نتیجه عملی بحث این خواهد بود که در صورتی که دادسرا تیراندازی مرتکب را وفق مقررات تشخیص داد قرار منع تعقیب متهم را صادر می‌نماید و نیازی به ارسال پرونده به دادگاه نمی‌باشد. ماده (۱۲) قانون به‌کارگیری سلاح.... اشعار می‌دارد: «مأمورینی که با رعایت مقررات این قانون مبادرت به بکارگیری سلاح نمایند از این جهت هیچ‌گونه مسئولیت جزایی یا مدنی نخواهند داشت.»

۱۰- شرایط مأمورین مسلح که حق استفاده از سلاح را دارند، موارد مجاز به‌کارگیری سلاح، ضوابط و مقررات تیراندازی، شرایط محل‌های ایست و بازرسی، وظایف مأمورین انتظامی نسبت به مجروحین حوادث ناشی از تیراندازی، شرایط مسئولیت یا عدم مسئولیت کیفری و مدنی مرتکبین تیراندازی، پرداخت دیه و خسارت توسط سازمان‌های نیروهای مسلح، نحوه تأمین و پرداخت وجوه مورد نیاز و سایر مقررات ناظر بر تیراندازی در قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب سال ۷۳ و آیین‌نامه‌های مربوط ذکر شده‌است.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱- مراجعه شود به مواد (۹) الی (۱۵) قانون استخدام نیروی انتظامی.

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۳۸ - ۸۳/۸/۱۱.